

روابط بینامتنی دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه (دعا در آغاز ماه رمضان) با قرآن کریم

بی بی سادات رضی بهابادی

دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

فتحیه فتاحی زاده

استاد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

لیلا مرتاض *

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱)

چکیده

نظریه بینامتنیت رویکردی است که روابط بین متون و چگونگی ارتباط بین آنها را بررسی می‌کند. در این رویکرد دلالت‌های گوناگون متون در فضای متون دیگر آشکار می‌شود. کاربرت این نظریه در مطالعات دینی در تبیین پیوند عمیق قرآن و عترت است. در این پژوهش دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه با موضوع آغاز ماه رمضان در دو سطح لایه‌های ظاهری و باطنی متن بررسی و تبیین می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال کشف افق معنایی جدید از این دعا است. روابط بینامتنی با سه گونه ساختاری و مضمونی و واژگانی پیگیری شده است. نتایج به دست آمده از پژوهش، گویای آن است که حضرت در طول این دعا از ساختارهای مختلف قرآنی در موضوعاتی همچون نزول قرآن در ماه رمضان و شب قدر، درخواست ملحق شدن به بندگان صالح، حمد خداوند بر نعمت هدایت و غیره بهره برده‌اند به گونه‌ای که قرآن در درخواست‌هایشان تجلی یافته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، امام سجاده(ع)، دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه، روابط بینامتنی.

* E_mail: Lmortaz@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۱. بیان مسئله

بینامتنیت نظریه‌ای است که در قرن بیستم توسط ژولیا کریستوا بیان شد که نگرش نوینی در زمینه رابطه عناصر کهکشان متن‌ها ارائه می‌دهد و به تعامل و جاذبه‌ی میان‌متنی می‌پردازد. روابط بینامتنی می‌تواند ما را از سطح ظاهری متن به ابعاد پنهان آن هدایت کند (قائم‌نیا، ۱۳۹۳: ۴۷۷؛ گراهام، ۱۳۹۲: ۱۱).

ژولیا کریستوا ضمن نفی وجود متنی که خالی و به دور از مداخلات متون دیگر باشد، بینامتنیت را این گونه تعریف می‌کند «هر متنی همچون معرقی از نقل قول‌ها ساخته می‌شود و هر متنی به منزله جذب و دگرگرن سازی متنی دیگر است» (تروتان، ۱۳۷۷: ۵). بینامتنی مبتنی بر این اندیشه است که متن نظامی بسته، مستقل و خودبسنده نیست. بلکه پیوندی دو سویه و تنگاتنگ با سایر متون دارد (ر.ک: مکاریک، ۱۳۸۴: ۷۲).

این نظریه دارای سه رکن اصلی است: متن حاضر، متن غایب و روابط بینامتنی. بینامتنی نوعی باز آفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر است. این رویکرد بر ضرورت وجود رابطه بین متن‌ها تأکید دارد و این پژوهش به دنبال کشف این رابطه بین صحیفه سجاده و قرآن کریم است (مسبوق و بیات، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۹).

بینامتنیت ابزار مفیدی برای مخاطب در خوانش متن محسوب می‌شود. از این نظریه می‌توان برای سنجش رابطه کلام امامان معصوم (ع) به عنوان قرآن ناطق با قرآن کریم بهره برد. در موارد زیادی درک عمیق دعاهاى امام سجاده (ع) در پرتو شناخت رابطه کیفی آن با قرآن امکان پذیر است. لذا تعمیق بخشیدن به مطالعات قرآنی و حدیثی به وسیله مطالعات بینامتنیت اهمیت بسزایی دارد. زیرا مباحث بینامتنیت، زاویه جدیدی را در مطالعه روابط بین متون می‌گشاید که به فهم بهتر آن متون یاری می‌رساند.

هدف از بکارگیری بینامتنیت قرآنی، زنده کردن فرهنگ قرآن یا به کاربردن آن در بین متون دیگر است. از آنجا که تکیه‌گاه این نوع بینامتنیت، فصیح‌ترین کتاب آسمانی و

برترین اسلوب زبان عربی است، محکم و استوار محسوب می‌شود. از این رو تکرار آن موجب شکوفایی مفاهیم جدید برای خواننده می‌شود (ر.ک؛ پروینی و عموری، ۱۴۱۳ق: ۱۵۲-۱۵۳).

صحیفه سجادیه مشتمل بر دعا‌های امام سجاد(ع) است، دوران خفقان خلفای اموی در عصر امام و شرایط بعد از واقعه عاشورا، امام(ع) را بر آن داشت تا مفاهیم و تعالیم دین اسلام را به صورت دعا بیان فرماید (ر.ک: حیدری آقایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۹). برخی از این دعاها مربوط به موقعیت‌های خاص است و غالباً حاوی مضامینی است که مربوط به آن موقعیت است. یکی از این دعاها، دعای چهل و چهارم صحیفه که دعای «هنگام آمدن ماه مبارک رمضان» است، می‌باشد.

ماه مبارک رمضان در طول سال، آغاز سال عبادی مؤمن است، زیرا در این ماه توشه‌ی قرب به درگاه خدا برای کل سال را فراهم می‌کند و در طول سال از آن بهره‌مند می‌شود. بدین لحاظ، ماه رمضان در نزد امام معصوم(ع) از اهمیت والا برخوردار است (ممدوحی، ۱۳۹۰: ۳۸۹) به همین منظور حضرت در دعای چهل و چهارم متذکر وظایف روزه‌دار در قالب راز و نیاز با خدا و برکات و ویژگی‌های ماه مبارک رمضان شده‌اند.

این دعا در ۱۹ فراز بیان شده‌است. سه فراز ابتدایی این دعا با حمد خداوند شروع شده است. حضرت پس از سپاس خداوند بر نعمت دین اسلام و پیش برد بنده در راه‌های احسان، یکی از راه‌های احسان خداوند را وجود ماه رمضان معرفی می‌فرماید. حضرت پس از توصیف ماه رمضان که ماه روزه و ماه نزول قرآن است به ویژگی‌های این ماه می‌پردازد و این ماه را از هزار ماه با فضیلت‌تر می‌داند. سپس حضرت با صلوات بر محمد و آتش از خداوند شناخت فضل این ماه، یاری خداوند در روزه‌داری، حفظ اوقات نماز و ... را درخواست می‌نماید. در پایان حضرت از خداوند می‌خواهد که در بقیه ماه‌ها و روزها همچون ماه رمضان باشد و از بندگان صالح کسانی که بهشت فردوس را به ارث می‌برند، باشد (ر.ک: روغنی قزوینی، ۱۳۸۸: ۴۱۶).

قرآن کریم و ائمه معصومان(ع) یک حقیقت واحد در دو جلوه هستند، از این رو کلام امام(ع) با الفاظ و مفاهیم قرآنی به هم تنیده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در جستجوی این ارتباط است و در پاسخ به این سؤالات بر آمده است: تجلی قرآن در دعای چهل و چهارم صحیفه چگونه است؟ آیا کلام امام مصداقی برای آیات قرآن یا تفسیر و روشنگر آن است؟ به عبارتی کشف روابط بینامتنی قرآن و دعای چهل و چهارم و تحلیل آن مد نظر این پژوهش می باشد.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی آثار موجود، گویای این است که این دعا با روش بینامتنی مورد پژوهش قرار نگرفته است. البته با این روش آثار متعددی در صحیفه سجادیه نگاشته شده است. از جمله مقاله ای با عنوان «بینامتنیت قرآنی در صحیفه سجادیه» نوشته عباس اقبالی و فاطمه حسن خانی در مجله ادبیات دینی، شماره اول، ۱۳۸۹ش به چاپ رسیده است و مقاله «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه» نوشته زهرا محققیان در نشریه پژوهش های زبان شناختی قرآن، دوره ۵، شماره ۹، ۱۳۹۵ش به چاپ رسیده است. در این دو مقاله به بررسی کلی پیرامون روابط بینامتنیت صحیفه و قرآن پرداخته شده است اما تتبع براساس مطالعات بینامتنی در یکایک دعاها انجام نشده است. همچنین پایان نامه ای با عنوان «تجلی قرآن در دعاهای اول تا هفتم صحیفه سجادیه» توسط عارفه داوودی و به راهنمایی فتحیه فتاحی زاده در دانشگاه الزهراء(س) در سال ۱۳۹۵ش به رشته تحریر در آمده است. در این پایان نامه نیز همّت نگارنده به تبیین روابط بینامتنی در دعای اول تا هفتم صحیفه سجادیه با قرآن کریم بوده و به جنبه بلاغت افزایی در این دعاها پرداخته است.

۳. روابط بینامتنی در دعای چهل و چهارم

روابط بینامتنی انواع مختلفی دارد که در دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

۳-۱. بینامتنی ساختاری

در این نوع روابط بینامتنی، گوینده یا نویسنده جزیی از متن غایب یا کل آن را در متن خود می آورد. این نوع بینامتنیت به دو گونه قابل ملاحظه است.

۳-۱-۱. ساختاری تطابقی

در این گونه، تکیه بر متن کامل و مستقل است و دقیقاً متن اصلی بدون هیچ تغییری در همان معنای اولیه و اصلی اش توسط آفریننده متن حاضر به کار می رود. استفاده از آیات قرآن نه تنها بر درخشندگی، رونق و استحکام اسلوب کلام حضرت (ع) می افزاید؛ بلکه تأثیر معنا را در اذهان شنوندگان مضاعف می نماید.

۳-۱-۱-۱. نزول قرآن در ماه رمضان و شب قدر

حضرت (ع) در وصف ماه مبارک رمضان می فرماید: «... شهر رمضان، شهر الصیام و شهر الاسلام و ... و شهر القیام» «... الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ...»؛ «... ماه رمضان، ماه روزه و ماه اسلام...، ماه قیام، ماهی که در آن قرآن نازل شده، قرآنی که راهنمای مردم است و نشانه آشکار هدایت است و تمیز دهنده حق از باطل است.» قرآن کریم در آیه ۱۸۵ سوره بقره نیز می فرماید (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ...).

ماه رمضان برای روزه گرفتن انتخاب شده چرا که این ماه بر سایر ماهها برتری دارد، در آیه مورد بحث علت برتری ماه رمضان چنین بیان شده که قرآن کتاب هدایت و راهنمای بشر که «فرقان» است یعنی با دستورات و قوانین خود روش های صحیح را از ناصحیح جدا کرده و سعادت انسانها را تضمین نموده است در این ماه نازل گردیده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱: ۶۳۴) بدین ترتیب، ارزش رمضان، به نزول قرآن

است. ارزش انسان‌ها نیز می‌تواند به مقداری باشد که قرآن در آن‌ها نفوذ کرده باشد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۸۷).

امام (ع) در متن حاضر به توصیف ماه مبارک رمضان پرداخته و بخشی از آیه ۱۸۵ بقره را بدون هیچ تغییری در متن آورده است. در این فراز از دعا، حضرت ماه رمضان را به مخاطب خود معرفی می‌کند و با آیه شریفه آن را به اوج می‌رساند. چرا که بالاترین صفت ماه رمضان، نزول قرآن است و تنها ماهی است که در قرآن از آن نام برده شده است. قرآنی که راهنمای مردم و نشانه آشکار هدایت و جداکننده حق از باطل است. به عبارتی قرآن، صراط مستقیم و خط راست و شفاف الهی است که گذشته از آن که هدایتگر جوامع بشری است، خطوط انحرافی را از صراط مستقیم، بلکه درجه‌ی انحراف آن‌ها را نیز مشخص و واضح می‌نماید، تا مردم راه راست را شناخته و در انتخاب دچار اشتباه نگردند. یعنی به واسطه قرآن راه هدایت ترسیم می‌شود و حتی بهره‌برداری از ماه رمضان به نحو احسن به وسیله قرآن میسر است. به همین دلیل امام (ع) جهت اقناع مخاطب آیه شریفه را با همان محتوا در متن دعای خود آورده است.

امام سجاد(ع) در ادامه دعا پیرامون نزول قرآن در شب قدر و اوصاف این شب می‌فرماید: (ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ، تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ)؛ «آنگاه شبی از شبهای این ماه برگزید و بر شبهای هزار ماه برتری داد. و آن شب را «لیلة القدر» نامید. در آن شب، فرشتگان و روح، به فرمان پروردگارشان، بر هر یک از بندگان او که بخواهد نازل می‌شوند، همراه با تقدیری تغییر ناپذیر...» کلام امام عین آیه قرآن است (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ) (القدر/۴).

امام سجاد(ع) در این فراز عظمت شب قدر را به تصویر کشیده است و به این منظور در بخشی از کلام خود از آیه قرآن بدون کم و کاست بهره جسته است. در آیه شریفه «تنزل» فعل مضارع است، و دلالت بر استمرار دارد، لذا شب قدر مخصوص به زمان

پیغمبر اکرم (ص) و نزول قرآن مجید نبوده، بلکه امری مستمر است و شبی است که مداوم در همه سال تکرار می‌شود. بعضی مقصود از روح را «جبرئیل امین» دانسته‌اند که «روح الامین» نیز نامیده می‌شود و بعضی «روح» را به معنای «وحی» تفسیر کرده‌اند، بنا بر این مفهوم آیه چنین می‌شود: فرشتگان با وحی الهی در زمینه تعیین مقدرات در آن شب نازل می‌شوند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۲۷: ۱۸۴).

منظور از «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» این است که فرشتگان برای تقدیر و تعیین سرنوشت‌ها و آوردن هر خیر و برکتی در آن شب نازل می‌شوند و هدف از نزول آن‌ها انجام این امور است. یا اینکه هر امر خیر و هر سرنوشت و تقدیری را با خود می‌آورند (همان: ۱۸۵) تقدیر امور در شب قدر، با نزول و حضور فرشتگان صورت می‌گیرد. فرشتگان بدون اذن خداوند کاری انجام نمی‌دهند. بنابراین تقدیر امور در شب قدر، گوشه‌ای از ربوبیت الهی است (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۱۰: ۵۵۱).

امام (ع) دقیقاً همین محتوای قرآنی را جهت اقناع مخاطبان در کلام به کار بسته است و خصوصیت شب قدر را منطبق بر الفاظ و مفهوم قرآنی بیان نموده است.

۳-۱-۱-۲. درخواست ملحق شدن به بندگان صالح

صحیفه حضرت (ع) در این دعا پس از آنکه از خداوند درخواست می‌نماید که بقیه ماه‌ها و روزها همچون ماه رمضان باشند از خدا می‌خواهد که جزو بندگان صالح قرار گیرد و بندگان صالح را چنین معرفی می‌فرماید (وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْئُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، وَالدِّينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ، وَ مِنْ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ)، «...چنان کن که در شمار بندگان صالح تو در آییم: آنان که بهشت را به میراث برده‌اند و در آن جاویدانند، آنان که همه آنچه را که باید ادا کنند ادا می‌کنند و باز هم دل‌های‌شان ترسان است، آنان که باید نزد پروردگارش باز گردند، آنان که به کارهای نیک می‌شتابند و در آن بر یکدیگر سبقت می‌گیرند» کلام حضرت دقیقاً ناظر به آیات ۱۱ و ۶۱ سوره مؤمنون است.

در این فراز امام (ع) با استناد به سه آیه قرآن کریم، صفات صالحان را بیان فرموده و چهار ویژگی بارز و نتیجه کار و تلاش آنان را نیز ارائه کرده است:

*آیه اول، اشاره به این ویژگی‌های مؤمنان دارد که وارثان فردوس هستند. کلمه وارث بیانگر این است که مؤمنان بی‌زحمت به آن می‌رسند، یعنی آن پاداش عظیم در مقابل اعمال ناچیز به قدری زیاد است که گویی انسان بی‌زحمت به آن رسیده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۲۰۲). ارث می‌تواند اشاره به سرانجام کار مؤمنان باشد همچون میراث که در پایان کار به وارث می‌رسد. به هر حال این مرحله عالی بهشت طبق ظاهر آیات فوق مخصوص مؤمنانی است که دارای صفات یاد شده هستند (همان) به این ترتیب، دیگر بهشتیان در مراحل پائین‌تر قرار دارند. صالحان، همان مؤمنان سطح بالا هستند که امام این آیه را به آنان نسبت داده‌اند. به عبارتی، بندگان صالح خدا از آن رو وارث بهشت‌اند که بهشت در اثر تلاش در صلاح و اعمال پاک، به آنان واگذار شده است.

*آیه دوم، بیان می‌کند مؤمنان کسانی هستند که نهایت تلاش و کوشش را در انجام اطاعات و ادای حقوق مردم و حق پروردگار دارند و به تمامی دستورات الهی عمل می‌نمایند، اما با این حال خود را مقصر می‌دانند، زیرا هر عملی را در مقام عبادت اطاعت کوچک دانسته و لایق آن محضر نمی‌دانند و همیشه خود را کوچک‌تر از آن می‌دانند که بتوانند ادای وظیفه کنند و دل‌های‌شان ترسان است از اینکه سرانجام به سوی پروردگارشان باز می‌گردند (ر.ک: همان: ۲۶۴).

واقعیت این است که به هر مقدار معرفت انسان به آن ذات پاک کامل‌تر باشد، بیشتر در خلوص و خضوع می‌کوشد و در ارائه عمل شرمنده‌تر و خود را مقصرتر دانسته، حضور حضرت رب‌العالمین را بیش از پیش احساس می‌کند. بدین سان معرفت هیچ‌گاه با غرور و عجب همراه نیست (ممدوحی، ۱۳۸۳: ۴۲۱). «وَجَلَّ» به معنای ترسان و خائف است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۱۸۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۷۲۲) اینگونه امام (ع)

ویژگی خوف را در صالحان تصویر کرده‌اند. صالحانی که با وجود عمل به همه دستورات الهی، دل و جان‌شان در محضر جلال و عظمت حضرت حق، قرین خشیت است.

* آیه سوم، حضرت (ع) با آوردن این آیه ویژگی دیگر مؤمنان و صالحان را سرعت و تلاش به سوی نیکی‌ها و انجام طاعات و عبادت‌ها مطرح می‌نماید و اینکه ایشان در انجام وظیفه از همه موفق‌تر هستند و از همه مشتاقان پیشی می‌گیرند. بر این اساس، شوق در بندگی و انجام وظیفه با شادابی، نشان از عشق به حق و آمادگی سرشار در جهت رشد و معرفت است، زیرا شوق و عشق، شرط اول هر موفقیت بوده و با وجود کسالت در هیچ کجا نتیجه مطلوب برای انسان به دست نمی‌آید (ر.ک؛ ممدوحی، ۱۳۸۳: ۴۲۱). در این فراز نیز حضرت آیات را بدون تغییر بیان نموده‌است که در اقناع مخاطب مؤثرتر است.

۳-۱-۲. بینامتنی ساختاری غیر تطابقی

نوع دیگر از بینامتنیت ساختاری آن است که نویسنده یا گوینده، بخشی از متن غائب را با ساختار و ترکیبی تغییر یافته در لایه صرفی یا نحوی، در سخن خود به کار بگیرد و به اشکال گوناگون در ساختارش دخل و تصرف کند. گاه با افزودن و گاه با کاستن، دمی با تقدیم و دمی با تأخیر (ر.ک: عباس زاده، ۱۳۸۹: ۸). پس در این نوع روابط، عبارات متن غائب در ساخت صرفی و نحوی جدیدی ریخته می‌شوند.

این نوع روابط بینامتنی موجب می‌شود که کلام گوینده یا نویسنده در فضایی جدید و برای مصداق و دلالتی دیگر به کار گرفته شود و به یک فن و ابتکار بی‌بدیل مبدل شود. به نظر می‌رسد تفنن در متن حاضر و آوردن متن غائب به اسلوب‌های مختلف در میان متن حاضر، نه تنها در معنای متن حاضر خللی ایجاد نمی‌کند، بلکه از کثرت تکرار متن غائب می‌کاهد و مطلب جدیدی را به مطالب قبل می‌افزاید و پیام دیگری را به مخاطب ارائه می‌دهد.

شایان ذکر است که این تغییر باید هماهنگ و هم‌سو با سیاق سخن متکلم باشد. تغییرهای ساختاری قرآن در دعا‌های امام سجاده (ع) در اثر انس حضرت با قرآن، عادی شده، لذا حضرت به فراخور کلام خویش تعامل آگاهانه و استوار با قرآن (متن غائب) برقرار نموده و به مدد آن دیدگاه خویش را به مخاطبان القا می‌سازد.

۳-۱-۲-۱. حمد خداوند بر نعمت هدایت

در امام در فراز آغازین دعا درباره نعمت هدایت الهی می‌فرماید (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ)؛ «حمد و سپاس خداوندی را که ما را به حمد و سپاس خویش راه نمود و از جمله حامدان خود قرار داد، تا از شکر گزاران احسان او باشیم و ما را در برابر حمد و سپاس خویش پاداش داد، چنانکه که نیکو کاران را پاداش دهد.» این ساختار با اندکی تغییر در آیه ۴۳ اعراف بیان شده است (و نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ...) موضوع و فضای آیه آرامش کامل بهشتیان است که خداوند را به دلیل این آرامش کامل حمد و سپاس می‌گویند.

علامه بر آن است این نسبت حمد نشانه خالص شدن این افراد است، اینکه هیچ اعتقاد باطل و عمل زشتی ندارند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۸: ۱۱۶) به عبارتی ایشان خداوند را به دلیل اینکه به راهی هدایت‌شان کرده که ایمان و عمل صالح در دل خود داشته‌است و نتیجه آن بهشت و آرامش بهشتی است، خداوند را حمد می‌گویند. حمد مراتبی دارد که این مرتبه اوج حمد است. اما قبل از ورود به این مرتبه تمام خشم‌های درونی و کینه‌های احتمالی از وجودشان رخت بر می‌بندد، سپس حمد الهی را به جا می‌آورند. این حمد نشان می‌دهد که بهشتیان به اعمال و کارهای خود متکی نیستند و تلاش انسان به تنهایی کافی نیست، عنایت و امداد الهی برای هدایت لازم است (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۶۸).

امام در شروع دعا حمد را برای هدایت به سوی حمد به جا می آورد و حمد را برای حمد ضروری می داند؛ زیرا از نعمت های بزرگ الهی آن است که به بندگان خود شعوری کرامت فرمود که او را سزاوار ستایش بدانند و این خود بهره ای است که هر کس شایسته آن نیست (ر.ک؛ ممدوحی، ۱۳۸۳: ۳۸۹). از طرفی ستایش کردن و اعمال مربوط به آن از مواردی است که خداوند به وسیله انبیای خود و در قالب دین و شریعت به انسان عنایت کرده است و او را به سوی آن هدایت می کند. اوج برپایی این مناسک ماه مبارک رمضان است و انسان می تواند در این ماه شعور دینی خود را بالا ببرد و از غل و غش های دنیوی جدا شود، از همین روی امام (ع) در ابتدای دعای ورود به ماه رمضان، حمد را به دلیل هدایت به سوی حمد بیان می فرماید.

امام سجاد (ع) در ادامه دعا در مقام ستایش الهی می فرماید (وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ، وَ اخْتَصَنَا بِمِلَّتِهِ، وَ سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ احْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ اِلَى رِضْوَانِهِ)؛ «و ستایش برای خداست که به راه های احسان خویش پویا ساخت تا به فضل نعمت او به سوی خشنودیش روانه شویم» این مضمون و ساختار در آیه ۱۶ مائده بیان شده است (يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ).

امام سجاد (ع) خداوند را به دلیل اینکه به واسطه دین ما را در راه های احسان و نیکوکاری راهنمایی نموده است، ستایش می کند. نعمت دین و تعالیم و حیانی را خداوند متعال برای هدایت مردم نازل فرموده است، تا راه مستقیم را در بین بی نهایت خطوط انحرافی تشخیص داده و بر اساس آن عمل کنند. راه مستقیم فقط یکی است و هنر دین و وحی آن است که این یگانه را به مردم نشان می دهد (ر.ک؛ ممدوحی، ۱۳۸۳: ۳۹۱).

در متن حاضر امام (ع) ویژگی راه را احسان معرفی می نماید و انسان به هدایت الهی در این راه پیش می رود که به رضوان الهی نایل شود. یعنی خداوند فقط راه را نشان نمی دهد و انسان را رها کند، بلکه اگر هدایت را پذیرفت او را در این راه پیش می برد. در متن غایب نیز سخن از هدایت الهی است و ویژگی راه امنیت و سلامت معرفی شده است

برای کسانی که خشنودی پروردگار را جستجو می‌کنند. به نظر می‌رسد امام(ع) مصداقی برای این راه سلامت که احسان باشد معرفی می‌نماید.

۳-۱-۲-۲. شب قدر سرشار از سلامت و رحمت الهی

جدول امام(ع) در فراز پنجم در وصف سلامت شب قدر می‌فرماید (سَلَامٌ، دَائِمٌ الْبُرْكَهٗ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ)؛ «آن شب - شب قدر - سلامتی و برکت پیوسته‌است تا سپیده دم» قرآن در آیه ۵ سوره قدر به شأن و جایگاه شب قدر مبنی بر سلام فرشتگان تا سپیده آن شب اشاره دارد (سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ). «سلام و سلامت» به معنای در امان ماندن از آفات و بیماری‌های ظاهری و باطنی است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷: ۲۶۵). علامه طباطبائی معتقد است «سلام هی» اشاره‌است به اینکه عنایت الهی تعلق گرفته‌است به اینکه رحمتش شامل همه بندگانی بشود که به سوی او روی می‌آورند، و نیز به اینکه در خصوص شب قدر باب نعمتش و عذابش بسته باشد، به این معنا که عذابی جدید نفرستد» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰: ۵۶۴).

حضرت موازی و هماهنگ با متن غایب درباره سلامی که در شب قدر به واسطه ملائکه نازل می‌شود سخن می‌گوید. سلام متن غایب را تفسیر می‌نماید و با کلمه دائم البرکه توضیح می‌دهد. برکت در لغت، واقع شدن خیر و برکت الهی در چیزی است؛ جمع شدن خیر الهی را برکت گفته‌اند همانگونه که آب در برکه جمع می‌شود (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۹). در این شب هم قرآن نازل شده، هم عبادت و احیاء آن معادل هزار ماه است، خیرات و برکات الهی نیز در آن شب نازل می‌شود، رحمت خاص پروردگار شامل حال بندگان می‌شود و هم فرشتگان و روح در آن شب نازل می‌گردند. بنا بر این شبی سرتاسر سلامت، از آغاز تا پایان است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۲۷: ۱۸۵).

همه خیرات و خوبی‌ها در آن جمع است، از این جهت امام (ع) سلامتی و امنیت آن را دائم البرکة خوانده‌است. از سویی حضرت از حرف «إلی» استفاده کرده که نشان‌دهنده حرکت است، یعنی این سلام فقط در یک مقطع نیست، بلکه آغاز و پایان دارد و پیوسته از آغاز به سوی پایان در جریان است.

۳-۱-۲-۳. درخواست محافظت بر نماز

جدول ز امام (ع) در فرازی از دعا حفظ ارکان و مراتب نماز را درخواست می‌نماید (وَأَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَةَ الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا، الْحَافِظِينَ لَأَرْكَانِهَا، الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا عَلَى أَتَمِّ الطُّهُورِ وَأَسْبَغِهِ، وَآيِينَ الْخُشُوعِ وَأَبْلَغِهِ)؛ «چنان کن که به هنگام نماز همانند کسانی باشیم که به منازل والای آن راه می‌یابند و همه ارکان آن رعایت می‌کنند و آن را به وقت خود، به آیین بنده تو و رسول تو محمد (صلی الله علیه و آله) در رکوع و سجود و همه فضیلت‌هایش، به کامل‌ترین وضو و طهارت و در نهایت خشوع به جای می‌آورند» ساختار «الْحَافِظِينَ لَأَرْكَانِهَا» به صورت غیر تطابقی در آیات ۳۴ سوره معارج و ۹ مؤمنون بیان شده است: "وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ" «در این آیات سخن از حفظ آداب و شرایط و ارکان و خصوصیات نماز است. آدابی که هم ظاهر نماز را از آنچه مایه فساد است حفظ می‌کند، هم روح نماز را که حضور قلب است تقویت می‌نماید و هم اخلاقی را که سد راه قبول آن است از بین می‌برد» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۲۵: ۳۹).

شیخ طوسی مفهوم آیه (وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ) را به معنای «ضایع نکردن نماز و مواظبت بر اداء آن دانسته‌است و بر آن است که در تفسیر اهل بیت (ع) در معنای آیه چنین بیان شده‌است: کسانی که بر اوقات نماز را حفظ می‌کنند و در اوقاتش آن را اداء می‌نمایند» (طوسی، بی تا، ج ۷: ۳۵۱).

منظور از «محافظة بر صلاة» این است که صفات کمال نماز را رعایت کند، و آن طور که شرع دستور داده نماز بخواند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۱۷) برخی دیگر معتقدند محافظت بر نماز، غیر مداومت بر آن است، چون دوام مربوط به خود نماز و نفس عمل است، و اما محافظت مربوط به کیفیت آن است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳: ۲۶۳).

اگر پایه و رکن نماز صدمه ببیند، فرو می‌ریزد و ویران می‌شود. مقصود امام (ع) از رکن در این فراز دعا، هر امری است که با حفاظت آن، نماز برپا می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۷۶). امام سجاد (ع) در این فقره دعا به نمازی اشاره می‌کنند که به شیوه بنده و رسول خدا (ص) باشد. به عبارتی نمازی که از هر حیث کامل است، چه از نظر ظاهری و چه از نظر باطنی. لذا عبارت «الْحَافِظِينَ لَأَرْكَانَهَا» به معنای نهایت اهتمام مسلمانان بر فریضه نماز است (شریف لاهیجی، ۱۳۹۱: ۳۷۳). در اصل امام (ع) متن قرآنی را با همان معنا در کلام خویش به کار گرفته است با این تفاوت که ساختار فعل "يحافظون" را از صورت مضارع به اسم فاعل "الحافظين" تغییر داده است. این تغییر حضرت جهت بلاغت افزایی و رعایت سجع در دعا انجام شده و معنایی همسو با معنای قرآنی در قالب فعل دارد چرا که اسم فاعل همچون فعل مضارع دلالت بر ثبوت و تداوم دارد، یعنی کسانی که همواره و در تمام زمانها از نماز خود محافظت می‌کنند به آداب و شرایط و ارکان آن به کمال قیام می‌نمایند (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۱۰: ۱۲).

۳-۱-۲-۴. درخواست طهارت اموال

حضرت (ع) درباره پاکی اموال از خدا تقاضا می‌کند (وَ أَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ، وَ أَنْ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ...); «اموالمان را از هر چه به ناحق بر آن افزوده‌ایم پیراسته داریم و با ادای زکات پاکیزه گردانیم» در آیه ۱۰۳ سوره توبه نیز ساختار (وَ أَنْ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ) به صورت غیر تطابقی ذکر کرده است (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ

و تَزَكِيهِمْ بِهَا وَ صَلَّى عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (التوبه/۱۰۳)؛ «از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی، و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست».

امام (ع) با اقتباس از آیه قرآن، به پاکی مال به واسطه دادن زکات اشاره می‌کند. در این آیه خداوند به پیامبر (ص) امر می‌کند که با گرفتن زکات مال مسلمانان را پاک نماید؛ در اصل وجودشان را از رذائل اخلاقی، از دنیا پرستی و بخل و امساک پاک نموده، نهال نوع دوستی و سخاوت و توجه به حقوق دیگران را در آن‌ها پرورش دهد. از آن گذشته مفاسد و آلودگی‌هایی که در جامعه به دلیل فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه به وجود می‌آید با انجام این فریضه الهی بر چیده می‌شود و صحنه اجتماع را از این آلودگی‌ها پاک می‌سازد. بنا بر این حکم زکات هم "پاک کننده فرد و اجتماع" است و هم نمو دهنده بذره‌های فضیلت در افراد، و هم سبب پیشرفت جامعه است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۸: ۱۱۸). به تعبیر یکی از مفسران معاصر، هدف در اخذ این صدقه دو چیز است: اولاً: پاکیزه ساختن اموال ایشان و زدودن هر شهرت بد از ایشان است. ثانیاً: تزکیه نفوس و پرورش آن‌ها به مقتضای کرم و بزرگواری و خروج از صفت تنگ نظری و بخل و فرا بردن ایشان به سطح عطا و احساس مسئولیت‌های اجتماعی در برابر افراد اجتماع است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۲۷۱). حضرت ساختار قرآنی را اخذ نموده و خواننده را لحظه‌ای به فضای قرآنی درباره تطهیر نفوس انسانی به وسیله زکات برده و از این رهگذر، بینامتنی از نوع ساختاری غیر تطابقی ایجاد شده است.

۳-۱-۲-۵. بیان فضیلت شب قدر

امام سجاد (ع) در ادامه ویژگی‌های ماه رمضان به شبی از این ماه اشاره می‌کنند و آن را توضیح می‌دهند که این توضیح کاملاً منطبق بر آیه سوم سوره قدر می‌باشد (ثُمَّ فَصَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيْلِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَسَمَّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ)؛ «آن گاه یک از شب‌های این ماه را بر شب‌های هزار ماه دیگر برتری داد و نام آن را شب قدر نهاد» خداوند متعال

نیز در خصوص فضیلت شب قدر می‌فرماید (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) (القدر/۳)؛ «شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است».

در متن غایب شب قدر از هزار ماه بهتر خوانده شده است، امام (ع) این شب را در ابتدای سخن خویش شرح نموده، کلمه «لیله» را به صورت نکره آورده است تا عظمت و بزرگی این شب را برای مخاطب ترسیم نماید و سپس این شب را با نام لیلَةُ الْقَدْرِ معرفی نموده است. اینگونه امام (ع) با این چینش جملات، تأکید بیشتری را بر این شب و عظمت آن بر شب‌های دیگر سال بیان نموده است.

فضیلت شب قدر، از آموزه‌های مسلم قرآنی است. امام (ع) سخن پروردگار را در دعای خود با اندکی تغییر گنجانده است؛ بنابراین، رابطه بینامتنی یاد شده، از نوع نفی ساختاری غیر تطابقی است که در آن، متن غائب به طور مستقیم و با همان مضمون، در متن حاضر به کار رفته و با آن پیوندی آگاهانه برقرار شده است.

۲-۳. بینامتنی مضمونی

در این نوع بینامتنیت مضمون و درون مایه متن حاضر با متن غایب یکسان است؛ نویسنده یا گوینده با الهام از مضامین متن غایب و پردازش سخن، متن حاضر را در قالب الفاظ جدید بیان می‌کند (مسبوق، ۱۳۹۲: ۲۱۸). این سخن به گونه ای است که خواننده آگاه به متن غایب، رابطه مفهومی و مضمونی متن حاضر و غایب را درک می‌نماید. این نوع روابط بینامتنی، گواه محکمی بر انس بسیار زیاد حضرت با قرآن کریم است و تجلی همتایی امام معصوم و قرآن مجید می‌باشد.

۱-۲-۳. درخواست توفیق رعایت اوقات نماز

حضرت در فراز هشتم این دعا، پیرامون اقامه نماز و انجام وظایف الهی می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَقْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي

حَدَّدَتْ، وَفَرَّوْضِهَا الَّتِي فَرَضَتْ، وَوَطَّأَنَفِهَا الَّتِي وَطَّأَتْ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَكَّتْ؛ «خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را در این ماه بر اوقات نمازهای پنج گانه موفق بدار؛ با احکام و شرایط آن که مقرر فرموده ای، و واجباتش که لازم گردانده ای و وظایفی که به آنها موظف کرده ای و هنگامه هایی که برای آنها قرار داده ای.» به نظر می رسد امام (ع) این مضمون را از آیات ذیل تأثیر پذیرفته باشد: "حَافِظُوا عَلَي الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ" (البقره/۲۳۸) و «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (المؤمنون/۹).

صاحب تفسیر مجمع البیان معتقد است عبارت «حَافِظُوا عَلَي الصَّلَاةِ» یعنی بر نمازهای واجب در اوقات آنها مداومت کنید (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۹۹). بنابراین آیه به مراعات نماز و اوقات آن تشویق می نماید. (ر.ک؛ طوسی، بی تا: ج ۲، ۲۷۵) به عبارت دیگر، آیه به مسأله آداب و شرایط نماز از نظر وقت و زمان و مکان و همچنین از نظر تعداد نمازها و به نمازگزاران و مؤمنان راستین توصیه می کند که در همه نمازها مراقب همه این آداب و شرایط باشند (ر.ک؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۰۱).

امام سجاد (ع) در این فراز به آیه فوق اشاره دارند که در آن بر اوقات نماز تأکید شده است. این تأکیدها و تصریح ها شاید به دلیل اهمیت بسزایی است که رعایت دقیق اوقات نماز در برنامه های تربیتی دارد. از آنجا که نماز مؤثرترین رابطه انسان با خداست و در صورتی که با شرایط صحیح انجام گیرد دل را لبریز از عشق و محبت خدا می کند و در پرتو آن انسان بهتر می تواند خود را از آلودگی به گناه پاک سازد. در آیه شریفه تصریح شده است که بر انجام همه نمازها، مخصوصاً نماز میانه که نماز ظهر است (ر.ک؛ طوسی، بی تا: ج ۲، ۲۷۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۴۸) مداومت کنید و در حفظ نماز ظهر کوشا باشید و با خضوع و خشوع و توجه کامل، برای خدا پناهنده شوید. تأکید بر نماز ظهر از آن جهت است که آدمی در این اوقات فرو رفته در امور دنیاست و مراقبت نسبت به نماز در

این زمان، برای فرد مسلمان ایمنی و مقاومت در برابر تأثیر پذیرفتن از امور و مسائل منفی دنیا به وجود می‌آورد (ر.ک: مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۴۱۴).

۳-۲-۲. مقابله بدی با خوبی

با حضرت (ع) در فراز دیگری از این دعا، از خداوند درخواست می‌نماید که قهر، ظلم و دشمنی دیگران را با خوبی مقابله کند (وَأَنْ تُرَاجَعَ مَنْ هَاجَرْنَا، وَأَنْ نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمْنَا، وَأَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَى مَنْ عُوْدِي فَيْكَ وَ لَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ، وَ الْحِزْبُ الَّذِي لَا نُصَافِيهِ)؛ «و با آنان که از ما گسیخته‌اند بیبوندیم و با آن که در حق ما ستمی روا داشته به مقتضای انصاف رفتار کنیم و با آن که با ما دشمنی ورزیده با مسالمت برخورد کنیم، جز آن کسان که به خاطر رضای تو با آنان دشمن شده‌ایم که با چنین دشمنی هیچ‌گاه سخن از دوستی نگوییم و همدل نشویم». این فراز هم مضمون با آیه ۳۴ سوره فصلت است (ادْفَعْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٍ) ضمن آنکه حضرت در عبارت «أَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَى مَنْ عُوْدِي فَيْكَ وَ لَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ» مرز مسالمت با دشمن را نیز مشخص کرده‌اند و به مضمون آیه ۲۹ سوره فتح (مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ اَشْدَّاءُ عَلَي الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ...) اشاره داشته‌است.

عبارت «أَشْدَّاءُ عَلَي الْكُفَّارِ» در آیه فوق مقید کرد به جمله «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» شده‌است تا توهمی که ممکن بود بشود دفع کرده‌باشد و دیگر کسی نپندارد که شدت و بی‌رحمی نسبت به کفار، باعث می‌شود مسلمانان به طور کلی و حتی نسبت به خودشان هم سنگدل شوند لذا دنبال «اشدء» فرمود «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» یعنی در بین خود مهربان و رحیم هستند و این دو جمله مجموعاً افاده می‌کند که سیره مؤمنان با کفار شدت و با مؤمنان رحمت است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۸، ۲۹۹).

امام زین العابدین (ع) در ادامه درخواست‌ها در ماه مبارک رمضان از خداوند، توفیق معاشرت نیکو و برخورد زیبا با افراد جامعه به خصوص کسانی که از آدمی روی بر می‌گرداند را تقاضا می‌کند. این موضوع مسئله بسیار مهمی در دین مبین اسلام است چنانکه در متن غایب می‌بینیم خداوند امر فرموده‌است که بدی را با بهترین راهش دفع کن و معنای آن این است که: بدی را با خصلتی که مقابل آن است دفع نما، مثلاً باطل آنان را با حقی که نزد تو است دفع کن، نه به باطلی دیگر و جهل آنان را با حلم و بدی‌هایشان را با عفو و همچنین هر بدی دیگرشان را با خوبی مناسب آن دفع کند (همان: ج ۱۷: ۳۹۱)؛ و نیز (ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۹: ۱۲۶).

به نظر می‌رسد امام (ع) همگام و موازی با متن غایب، مصداق‌های این بدی و خوبی را در متن حاضر مطرح فرموده است. به عبارتی قرآن ناطق با کلمات و واژگان تازه‌ای همان منظور قرآن صامت را بیان فرموده و توضیح داده‌است.

۳-۲-۳. رهایی از شیطان

با امام (ع) در این دعا از خداوند رهایی از شیطان را می‌جوید (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، ... وَإِنْ اِشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ)؛ «بار خدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست و اگر دشمن تو، شیطان، بر ما چیره شد، ما را از چنگال او رهایی بخش» آیه ۲۰۰ سوره اعراف مشابه همین مضمون و دعای حضرت است (وَإِنَّمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)؛ «و اگر از جانب شیطان در تو وسوسه‌ای پدید آمد به خدا پناه ببر، زیرا او شنوا و داناست».

«نقذ» یعنی نجات داده شده (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۲۱) و «استنقذ» طلب رهایی یافتن است. امام (ع) از خدا می‌خواهد که اگر شیطان چیره شد ما را رهایی بخش؛ این رهایی طبق متن غایب با استعاذه که همان پناه بردن به خداست اتفاق می‌افتد. پناه بردن یک پیوند و ارتباط روحی برقرار کردن و توکل کردن و خود را به خدا سپردن

است. استعاذه و استمداد از خدا، بهترین درمان وسوسه‌های شیطانی است (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۲۵۰). به نظر می‌رسد واژه «استنقذ» شدت وابستگی انسان به خداوند را برای چاره‌سازی در برابر شیطان تصویر می‌کند و این گونه همان استعاذه و پناه بردن به خدای متعال در متن غایب را با کلامی دیگر بیان می‌فرماید. در اصل امام (ع) به این موضوع اشاره می‌فرماید که با استعاذه می‌توان از شر شیطان رها شد و جز با عنایت الهی میسر نیست. یعنی انسان به خودی خود نمی‌تواند از شیطان رها شود، به همین دلیل امام (ع) از خدای منان این تقاضا را دارد.

۳-۲-۴. پاک‌سازی گناهان با اعمال نیک

امام (ع) در فراز ۱۱ دعا، از بارگاه الهی تقرب به خداوند را با اعمال پاک‌کننده از گناهان طلب می‌نماید: «وَأَنْ تَقْرَبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّكَايَةَ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ»؛ «ای خداوند، در این ماه ما را توفیق ده که به کردارهای پسندیده به تو تقرب جویم، آن سان که ما را از گناهان پاک داری» این مضمون از دعا در آیات متعددی بیان شده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ» (هود: ۱۱۴)؛ «و در دو طرف روز [اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار، زیرا خوبیها بدیها را از میان می‌برد. این برای پندگیرندگان، پندی است».

جمله «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» تعلیلی بر امر «أَقِمِ الصَّلَاةَ» است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۱، ۵۸). پس حسنات به صورت عام و نماز به طور ویژه آثار گناه را زایل می‌کند (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۶۶) مطابق آیه ۷۰ سوره فرقان توبه، ایمان و عمل صالح باعث تبدیل گناهان به نیکیهاست. یعنی ثواب حسنات را به جای عقاب گناهان شخص می‌نویسند (طوسی، بی تا: ج ۷، ۵۰۹) و یا با پاک شدن ذات انسان، هر گناه خود تبدیل به حسنه می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۵: ۲۴۲-۲۴۳).

همچنین در آیه ۷ سوره عنکبوت آمده است (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ) کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دارند گناهان آنان را می پوشانیم.

آیات قرآنی به موضوع تکفیر سیئات تصریح دارد. «تکفیر» مصدر باب تفعیل و به معنای پوشاندن و پنهان داشتن است، تا اینکه به منزله چیزی درآید که گوئی به آن عمل نشده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۱۷) «تکفیر» در اصطلاح به معنای از بین رفتن عقاب اعمال، توسط کارهای شایسته می باشد؛ به این معنا که عمل صالحی که شخص انجام می دهد، باعث از بین رفتن عقوبت و اثر گناهان گذشته او می شود. در بحث تکفیر، در مقایسه با بحث احباط در علم کلام، اختلاف اساسی وجود ندارد، چرا که تکفیر، به بخشش گناهان از جانب خداوند مربوط می شود و از نظر عقلی، مانعی ندارد که خداوند از عقوبت مجرمی درگذرد (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۲۶۸ - ۲۶۹).

امام سجاد(ع) در این فراز از دعا به مضمون قرآنی تکفیر سیئات در ماه رمضان اشاره دارد و از خداوند درخواست می نماید که با انجام اعمال نیک به او تقرب جوید به گونه ای که گناهان گذشته پاک شود.

۳-۳. بینامتنی واژگانی

نخستین گام برای درک هر متنی، فهم واژگان و الفاظ آن متن و گفتار می باشد. گزینش واژگان صحیح در دلالت معنا و زیبایی آن تأثیرگذار است و اثر فوق العاده ای بر مخاطب می گذارد. از این رو، واژگان نقش مهمی را ایفا می کنند (ر.ک؛ فتاحی زاده، معتمد لنگرودی، ۱۳۹۵: ۱۱۳). امام سجاد(ع) نیز با وام گیری از واژگان قرآنی بر استغنا کلام خویش افزوده است و این گونه رابطه ی تنگاتنگ امام و قرآن تصویر می شود.

۳-۳-۱. توصیف ماه رمضان

امام درباره وصف پاکی و پاک‌کنندگی ماه رمضان می‌فرماید «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ، وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ، وَسَبَّلَنَا فِي سَبْلِ إِحْسَانِهِ ... وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تَلْكَ السَّبِيلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصِّيَامِ، وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَشَهْرَ الطَّهْوَرِ، وَشَهْرَ التَّمْحِصِ...»؛ «حمد و سپاس خداوندی را که دین خود به ما ارزانی فرمود و ما را به آیین خویش اختصاص داد و به راههای احسان خود در آورد ... حمد و سپاس خداوندی را که یکی از آن راه‌ها که در برابر ما گشوده، ماه خود، ماه رمضان است، ماه روزه و ماه اسلام، ماه پاکیزگی از آلودگی‌ها، ماه رهایی از گناهان».

واژه «طهور» در آیه ۴۸ سوره فرقان بدین صورت بیان شده است: (أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا)؛ «از آسمان آبی پاک نازل کردیم». «طهور» به معنای چیزی است که خود در نهایت پاکی است و دیگران را پاک می‌کند (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۵۰۵). در متن غایب خداوند آب باران را طهور نامیده است که هم پاک است، هم همه جا را می‌شوید و پاکیزگی ایجاد می‌کند. در متن حاضر امام (ع) ماه رمضان را طهور خطاب کرده است و با فراخواندن این واژه آن را ماهی معرفی می‌نماید که آلودگی‌ها را از وجود انسان می‌زداید و از بین می‌برد. انسان‌ها در طول سال گرفتار گناهان و آلودگی‌ها می‌شوند و ماه رمضان به خودی خود این خاصیت را دارد که در عمل، آلودگی‌ها و گناهان در آن کمتر است. به عبارتی به واسطه اعمال خاص این ماه و شرایط ویژه آن نه تنها آلودگی‌ها کمتر است، بلکه بسیاری از گناهان و آلودگی‌های گذشته افراد نیز پاک می‌شود.

همچنین واژه «تمحیص» با اندکی تغییر در آیه (...قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَ لِيَبْتَليَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيَمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ) (آل عمران / ۱۵۴) آمده است.

کلمه «تمحیص» از ریشه «محص» به معنای خالص گردانیدن چیزی از عیب و نقص است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۲۷). فرآیندی که فلزات قیمتی مانند طلا در کوره قرار داده می‌شود تا بر اثر درجه حرارت بسیار بالا، از ناخالصی و عیوب پاک و خالص شود، تمحیص گفته می‌شود؛ به عبارتی، مرکز و اصل چیزی را پاک کردن است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۶: ۲۰۸).

در متن غایب، خداوند داستان مسلمانانی را بیان می‌کند که در یکی از جنگ‌ها همراه پیامبر اسلام (ص) بوده، ابتدا دچار شکست و سپس با مدد الهی پیروز می‌شوند. خداوند فلسفه این درگیری‌ها و سختی‌ها را آزمودن آنچه در درون سینه‌هاشان است و سپس خالص و پاک گردیدن قلوبشان می‌داند. خدای متعال درباره بعضی انسان‌ها، به ویژه مؤمنین، چنین تدبیری را به کار می‌برد؛ از جمله این تدبیرها، فراهم کردن شرایط برای مؤمنینی است که در دل‌شان، آلودگی‌ها، غل و غش‌ها، ناسره‌ها و بالاخره آثاری از ضعف ایمان، عصیان و غیره وجود دارد. این گروه از مؤمنان در فرایند چنین تدبیرهایی آزموده شده، آرام آرام خالص و پاک می‌شوند.

از ویژگی‌های ماه مبارک رمضان همین تمحیص و پاک‌کنندگی و خالص‌کنندگی آن است. انواع تعلقات به دنیا، خود از ناپاکی‌ها و آلودگی‌هاست، موقعیت‌های ویژه ماه مبارک رمضان بهترین فرصت برای پاک شدن از این آلودگی‌هاست. روزه بیش از هر چیز انسان را از تعلقاتش جدا می‌کند؛ آدم را وارسته و پاک می‌کند؛ قید و بندهای غیر خدایی را از پای آدم باز و مرغ دل را آماده پرواز می‌کند. شرایط و سختی و مشقت روزه داری انسان را از گرفتاری‌ها و آلودگی‌ها، پاک و خالص می‌کند. از این رو امام (ع) در متن غایب این ویژگی را برای ماه رمضان فرموده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۷۵). گفتنی است «شَهْرَ التَّمْحِیصِ» به دنبال «شَهْرَ الطَّهْوَرِ» تأکید بر پاک‌سازی انسان‌ها از گناهان در ماه رمضان دارد (شریف لاهیجی، ۱۳۹۱: ۳۷۱).

امام سجاد (ع) در این فراز دعا از مصدر (تمحیص) استفاده کرده‌اند که چون متکی بر زمان نیست معنایش از فعل گستره بیشتری دارد و معنا را قوی تر می‌نماید و باعث اقتناع مخاطب می‌شود.

۳-۳-۲. درخواست دفع گناهان

نخستین امام در فرازی از این دعا به برکندن گناهان از انسان‌ها در پایان ماه رمضان اشاره دارد... «وَأَسْلَخُ عَنْنا تَبِعَاتِنَا مَعَ أَنْسِلَاخِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقَضِيَ عَنْنا...»؛ «و چون روزهای آن به پایان می‌رسد، آلودگی‌های ما را نیز از میان بردار» واژه «انسلاخ» در آیه ۳۷ سوره یس به صورت (وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمُ مُظْلِمُونَ)؛ «شب نیز برایشان عبرتی دیگر است که روز را از آن برمی‌کشیم و همه در تاریکی فرو می‌روند» آمده‌است.

«سلخ» به کندن پوست حیوان گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۲۴). آخر شب ماه قمری را شب «سلخ» می‌نامند. گویی ماه نیز چون انسان لباس کهنه را از تن بیرون می‌آورد و رختی پاکیزه و نو بر تن می‌کند یا مانند پوست کندن حیوانی، پوستین کهنه را به کناری می‌نهد و نوید بخش هلالی نو و پاکیزه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۳۹۸). متن غایب نیز گویای این است که خداوند لباس روز را از تن شب بدر می‌کند و به ناگاه تاریکی حاصل می‌شود. گویی روشنایی روز همچون لباس سفیدی است که بر تن شب پوشانیده شده، به هنگام غروب آفتاب این لباس را از تن او همچون پوستی می‌کنند، تا باطن و درون او آشکار شود. با اقتباس از این واژه، مقصود امام (ع) این است که با پایان یافتن ماه رمضان انسان‌ها از گناه انسلاخ پیدا می‌کنند و مسلمین به دست توانای باری تعالی و در سایه عفو و رحمت الهی، چونان هلالی نو، از هر گونه آلودگی منسلخ شده و لباس پاکیزه بندگی را بر تن می‌کنند.

نتیجه گیری

دعای چهل و چهار صحیفه سجاده با عنوان دعای ورود به ماه رمضان، که از منظر مطالعات روابط بینامتنی با قرآن کریم مورد توجه قرار گرفت نتایج ذیل را به دنبال داشته است:

۱- ارتباط دعای چهل و چهارم امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده به عنوان متن حاضر با قرآن به عنوان متن غائب، آگاهانه است و امام (ع) به عنوان ناطق این دعا را با قرآن آمیخته است.

۲- روابط بینامتنی دعای ۴۴ امام سجاد (ع) با قرآن، به کشف لایه‌های پنهان و عمیق فرازهای این دعا منجر می‌شود. درخشش آیات قرآن در کلام نورانی حضرت این واقعیت را که امام معصوم و قرآن کریم یک حقیقت در دو جلوه هستند را روشن ساخته است.

۳- امام سجاد (ع) در این دعا از ساختارها و مضامین مختلف قرآنی همچون نزول قرآن در ماه رمضان و شب قدر، درخواست ملحق شدن به بندگان صالح، حمد خداوند بر نعمت هدایت، شأن شب قدر، درخواست توفیق رعایت اوقات نماز، بیان فضیلت شب قدر، درخواست محافظت بر نماز، درخواست طهارت اموال، مقابله بدی با خوبی، رهایی از شیطان، توصیف ماه رمضان و درخواست دفع گناهان سخن گفته است.

۴- انگیره امام (ع) از به کار گرفتن آیات و کلمات نورانی قرآن در کلام خود، استحکام سخن، اثر گذاری بیشتر و اقناع مخاطبان است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب العلی الاسلامی.
ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.

- آلن، گراهام. (۱۳۹۲). *بینامتنیت*. ترجمه پیام دانشجو. تهران: نشر مرکز.
- آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق). *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- پروینی، خلیل، عمودی، نعیم (۱۴۱۳ق). *التنصص القرانی فی روایه حکایات حارثنا لنجیب محفوظ*، تهران، س ۱۳، ش ۲: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تودورف، تزوتان، (۱۳۷۷ش). *منطق گفت و گویی میخایل باختین*، ترجمه: داریوش کریمی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- حیدری آقایی و همکاران (۱۳۸۸ش). *تاریخ تشیع: دوره حضور امامان معصوم (ع)*، چ ششم، تهران: سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم.
- روغنی قزوینی، محمد صالح. (۱۳۸۸ش). *ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه*، تصحیح: علی فاضلی، تهران: پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۳ش). *منشور جاوید*، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- شریف لاهیجی، قطب الدین بن محمد بن علی. (۱۳۹۱ش). *ترجمه و شرح صحیفه سجادیه*، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- الصحیفه السجادیه*، ترجمه عبدالمحمد آیتی. (۱۳۷۵)، تهران: سروش.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- عباس زاده، حمید. (۱۳۸۹ش). *«اقتباس قرآنی در نهج البلاغه»*. مطالعات تفسیری. س ۱. ش ۱. صص ۳۸-۵۵.
- فتاحی زاده، فتحیه و معتمد لنگرودی، فرشته. (۱۳۹۵ش). *«روابط بینامتنی خطبه فدک با قرآن»*، سراج منیر، س ۷. ش ۲۲. صص ۹۵-۱۳۱.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث-العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم. قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۹۳ش). *بیولوژی نص*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قزائتی، محسن. (۱۳۸۸ش). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله. (۱۳۳۶ش). *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.

مدرسی، محمد تقی، (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*، تهران: دار المحبی الحسین. مسبوق، مهدی، بیات، حسین. (۱۳۹۱ش). «*بینامتنی قرآنی در اشعار احمد شرقی*». *نقد ادب معاصر عربی*. یزد. س ۲. ش ۲. صص ۲۵-۴۹.

_____ (۱۳۹۲ش). «*روابط بینامتنی قرآن با خطبه‌های نهج البلاغه*»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ۱۰، شماره ۲. صص ۲۰۵-۲۲۴.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱ش). *صهای حضور*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه. مکاریک، ایرناریما، (۱۳۸۴ش). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه: مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ اول، تهران، نشر آگه.

ممدوحی، حسن. (۱۳۹۰ش). *شهود و شناخت*. قم. مؤسسه بوستان کتاب.